

نقش سازمانده جمهوری اسلامی در منطقه
غرب آسیا

مؤلفین:

دکتر نیما رضایی، دکتر یوسف نیار ف



(به سفارش مؤسسه فرهنگی هنری نیک اندیشان روزان)

رضایی، نیما، ۱۳۶۱ -؛ نیلوفری، یوسف، ۱۳۴۰ -

نقش سازنده جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا

مؤلفین: نیما رضایی، یوسف نیلوفری

به سفارش مؤسسه فرهنگی هنری نیک اندیشان روژان

تهران، نشر دا، چاپ اول ۱۳۹۷ / شابک: ۶-۳۱-۶۰۳۵-۶۲۲-۹۷۸

موضوع: ایران -- روابط خارجی -- خاورمیانه

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. نیروی قدس؛ قدرت (علوم اجتماعی)

-- ایران؛ امنیت ملی -- ایران؛ خاورمیانه -- روابط خارجی -- ایران

رده بندی کنگره: ۱۷۰۲۶ / خ / ۱۶۵۶ DSR

رده بندی دیویی: ۹۵۰ / ۸۴

شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۰۳۰۷۰

شناسنامه

نقش سازنده جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا

مؤلفین: دکتر نیما رضایی، دکتر یوسف نیلوفری

تهران، نشر دا، چاپ اول ۱۳۹۷ / شابک: ۶-۳۱-۶۰۳۵-۶۲۲-۹۷۸

صفحه آرای: مریم سلیمی / طراح جلد: محبوبه آملی

تیراژ: ۱۰۰۰

حق چاپ و نشر محفوظ است. طبق حقوق نویسندگان و ناشران هر گونه

کپی برداری به هر روش پیگرد قانونی دارد.

آدرس: میدان انقلاب - خیابان جمالزاده جنوبی - کوچه دانشور - پلاک ۵ - واحد ۸.

تلفن: ۰۲۱۶۶۶۲۱۵۳۴

آدرس الکترونیک: nashrda@yahoo.c

فہرست مطالب

پیش گفتار ۱۵

فصل اول

ماده ۱ و ۲ کانون نیروی قدس

- ۱-۱) چکیده ۲۹
- ۲-۱) نهادهای رسمی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، جمع‌های اسلامی ۳۰
- ۳-۱) ماهیت نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۳۲
- ۱-۳-۱) شکل‌گیری ۳۲
- ۲-۳-۱) جایگاه نیروی قدس در ساختار تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی ۳۳
- ۳-۳-۱) نگرش غرب درباره نیروی قدس ۴۰
- ۴-۱) رژیم غیررسمی امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ۴۲
- ۱-۴-۱) بررسی مفهوم رژیم ۴۲
- ۱-۴-۱-۱) رویکردهای مختلف در تعریف رژیم ۴۲
- ۱-۴-۱-۱-۱) رویکرد رفتاری ۴۲
- ۲-۴-۱-۱-۱) رویکرد شناختی ۴۲
- ۳-۴-۱-۱-۱) رویکرد رسمی ۴۳
- ۲-۴-۱-۱) تعریف «کراسنر» از رژیم و انتقادات وارده به آن ۴۴
- ۳-۴-۱-۱) مکاتب فکری در مطالعه رژیم‌های بین‌المللی ۴۸
- ۱-۴-۱-۳-۱) کلیات ۴۸
- ۲-۴-۱-۳-۱) نظریه‌های مبتنی بر قدرت درباره رژیم‌ها ۵۰
- ۳-۴-۱-۳-۱) نظریه‌های مبتنی بر منافع درباره رژیم‌ها ۵۲
- ۴-۴-۱-۳-۱) نظریه‌های مبتنی بر شناخت درباره رژیم‌ها ۵۳

۵۹.....	۴-۱-۴-۱) مفاهیم اصلی در مطالعه رژیم‌ها.....
۵۹.....	۴-۱-۴-۱) شکل‌گیری رژیم.....
۶۲.....	۴-۱-۴-۲) قوت رژیم.....
۶۲.....	۴-۱-۴-۳) اثربخشی رژیم.....
۶۳.....	۴-۱-۴-۴) دامنه رژیم.....
۶۳.....	۴-۱-۴-۵) استحکام (انعطاف‌پذیری) رژیم.....
۶۴.....	۴-۱-۴-۶) شکل سازمانی.....
۶۴.....	۴-۱-۴-۷) حالت تخصیصی.....
۶۵.....	۴-۱-۴-۸) طبقه‌بندی رژیم‌ها.....
۶۷.....	۴-۱-۴-۱۰) تنوع رژیم‌ها.....
۶۸.....	۴-۱-۴-۵) تجربه ثبات هژمونیک.....
۷۳.....	۴-۱-۴-۶) تفاوت یا شباهت رژیم و سازمان.....
۷۳.....	۴-۱-۲) بررسی ابعاد رژیم ضمنی: بررسی امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی.....
۷۳.....	۴-۱-۲-۱) کلیات.....
۷۴.....	۴-۱-۲-۲) شکل‌گیری «رژیم ضمنی» ایران: امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی».....
۷۵.....	۴-۱-۲-۳) اصول، هنجارها، قواعد، رویه‌های تصمیم‌گیری و عناصر اصلی «رژیم ضمنی غیررسمی امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی».....
۷۵.....	۴-۱-۲-۳-۱) اصول.....
۷۶.....	۴-۱-۲-۳-۲) هنجارها.....
۷۶.....	۴-۱-۲-۳-۳) حقوق.....
۷۶.....	۴-۱-۲-۳-۴) تکالیف.....
۷۷.....	۴-۱-۲-۳-۵) قواعد.....
۷۷.....	۴-۱-۲-۳-۶) رویه‌های تصمیم‌گیری.....
۷۷.....	۴-۱-۲-۳-۵) قوت رژیم.....
۷۷.....	۴-۱-۲-۳-۶) اثربخشی رژیم.....
۷۸.....	۴-۱-۲-۳-۷) دامنه رژیم.....
۷۸.....	۴-۱-۲-۳-۸) استحکام (انعطاف‌پذیری) رژیم.....
۷۸.....	۴-۱-۲-۳-۹) شکل سازمانی.....
۷۸.....	۴-۱-۲-۳-۱۰) حالت تخصیص.....
۷۸.....	۴-۱-۲-۳-۱۱) طبقه‌بندی رژیم.....

فصل دوم

مولفه‌های قدرت نیروی قدس

۷۹.....	۱-۲) چکیده.....
۸۰.....	۲-۲) مولفه‌های قدرت نیروی قدس.....

۸۰.....	۱-۲-۲) تعریف قدرت از منظر بارنت و دیووال
۱۰۷.....	۲-۲-۲) قدرت معنوی به عنوان پنجمین وجه قدرت
۱۰۷.....	۱-۲-۲-۲) تعریف قدرت معنوی
۱۰۷.....	۲-۲-۲-۲) شش رکن قدرت معنوی
۱۱۰.....	۳-۲-۲) پنج وجه قدرت نیروی قدس
۱۱۱.....	۳-۲) بررسی امکانات نظامی نیروی قدس به عنوان یکی از ارکان قدرت اجباری
۱۱۲.....	۱-۳-۲) راهبرد (استراتژی) و راه کنش (تاکتیک) های نظامی جمهوری اسلامی
۱۱۹.....	۲-۳-۲) تجهیزات نظامی جمهوری اسلامی جهت اجرای راهبرد (استراتژی) هفت ستونی
۱۱۹.....	۱-۲-۳-۲) ستون اول (پافند هوایی)
۱۱۹.....	۱-۲-۳-۲) ستون دوم (جوشک های بالستیک و کروز)
۱۲۰.....	۲-۲-۳-۲) ستون سوم (جنگ الکترونیک)
۱۲۱.....	۳-۲-۳-۲) ستون چهارم (تسلیمات ضد زره)
۱۲۱.....	۴-۲-۳-۲) ستون پنجم (توان هوایی)
۱۲۳.....	۵-۲-۳-۲) ستون ششم (مقابله با جنگ اطلاعاتی)
۱۲۴.....	۶-۲-۳-۲) کلیات
۱۲۷.....	۱-۶-۲-۳-۲) ISR
۱۳۰.....	۳-۶-۲-۳-۲) C4
۱۳۰.....	۷-۲-۳-۲) ستون هفتم (توان دریایی)
۱۳۱.....	۱-۷-۲-۳-۲) قایق های تندرو
۱۳۱.....	۱-۷-۲-۳-۲) نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی
۱۳۸.....	۲-۷-۲-۳-۲) نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
۱۴۰.....	۲-۷-۲-۳-۲) زیردریایی های مجهز به اژدر و مین دریایی
۱۴۱.....	۳-۷-۲-۳-۲) موشک های بالستیک و کروز و راکت های ضد کشتی
۱۴۱.....	۴-۷-۲-۳-۲) مین های دریایی
۱۴۲.....	۵-۷-۲-۳-۲) ترکیب توان هوایرد و موشک های ضد کشتی
۱۴۳.....	۶-۷-۲-۳-۲) تجهیزات جنگی متعارف

فصل سوم

جمهوری اسلامی به مثابه یک هژمون تعاونی تدافعی

- ۱-۳) چکیده ۱۴۵
- ۲-۳) نظریه هژمونی تعاونی ۱۴۶
- ۱-۲-۳) کلیات ۱۴۶
- ۲-۲-۳) مزیت‌های چهارگانه اتخاذ رویکرد هژمونی تعاونی از منظر یک قدرت بزرگ ۱۴۶
- ۳-۲-۳) هژمونی تعاونی تدافعی و تهاجمی ۱۴۸
- ۴-۲-۳) هزینه‌های اتخاذ راهبرد هژمونی تعاونی توسط یک قدرت ۱۴۸
- ۵-۲-۳) مزایا، معایب، هژمونی تعاونی و هژمونی یک‌جانبه ۱۴۸
- ۶-۲-۳) فاکتورهای تأثیرگذار بر احتمال اتخاذ راهبرد «هژمونی تعاونی» توسط یک قدرت بزرگ ۱۵۰
- ۱-۵-۲-۳) ظرفیت جمیع قدرت ۱۵۱
- ۲-۵-۲-۳) ظرفیت تقسیم قدرت ۱۵۳
- ۱-۲-۵-۲-۳) موازنه وحشت ۱۵۳
- ۲-۲-۵-۲-۳) باورهای اصولی ۱۵۴
- ۳-۲-۵-۲-۳) باورهای علی ۱۵۴
- ۴-۲-۵-۲-۳) ساختار سیاسی ۱۵۵
- ۳-۵-۲-۳) ظرفیت تعهد ۱۵۷
- ۷-۲-۳) اشکال مختلف هژمونی تعاونی براساس شدت و ضلّ ظافیت‌های تجمیع قدرت، تقسیم قدرت و تعهد ۱۵۸
- ۸-۲-۳) دسته‌بندی قدرت‌های بزرگی که راهبرد هژمونی تعاونی را اتخاذ می‌نمایند ۱۵۹
- ۹-۲-۳) هژمون تعاونی چگونه از ایجاد توازن و خروج دولت‌های دیگر جلوگیری می‌نماید؟ ۱۶۰
- ۳-۳) بررسی انطباق یا عدم انطباق نظریه هژمونی تعاونی بر جمهوری اسلامی ایران ۱۶۲

فصل چهارم

جمهوری اسلامی به مثابه یک قدرت منطقه‌ای

- ۱-۴) چکیده ۱۶۷
- ۲-۴) بررسی مفهوم «قدرت منطقه‌ای» ۱۶۸
- ۱-۲-۴) تفاوت و تشابه مفاهیم مرتبط با قدرت منطقه‌ای ۱۶۸
- ۲-۲-۴) مفهوم قدرت منطقه‌ای ۱۷۲
- ۳-۲-۴) مشخصات قدرت منطقه‌ای در یک منطقه خاص ۱۷۹
- ۳-۴) پارامترهای اثرگذاری یک «قدرت منطقه‌ای» بر تحولات امنیتی-نظامی منطقه غرب آسیا ۱۸۱
- ۴-۴) شاخص‌بندی پارامترهای اثرگذاری یک «قدرت منطقه‌ای» بر تحولات امنیتی-نظامی منطقه خود ۱۸۴

۱۸۴	۴-۱) حمایت نظامی قدرت منطقه‌ای از متحد(ان) به صورت کمی و کیفی
۱۸۷	۴-۲) حمایت اطلاعاتی قدرت منطقه‌ای از متحد(ان)
۱۸۹	۴-۳) آموزش همه جانبه متحد(ان) توسط قدرت منطقه‌ای
۱۹۲	۴-۴) حمایت مالی قدرت منطقه‌ای از متحد(ان)
۱۹۴	۴-۵) حمایت تبلیغاتی-رسانه‌ای قدرت منطقه‌ای از متحد(ان)
۱۹۶	۴-۶) حمایت دیپلماتیک قدرت منطقه‌ای از متحد(ان)
۱۹۷	۴-۷) توانایی قدرت منطقه‌ای در اقناع و ترغیب متحد(ان) به انجام کنش‌های مدنظر آن قدرت (نفوذ)
۱۹۸	۴-۸) جذاب بودن فرهنگ/ایدئولوژی/گفتمان یک قدرت منطقه‌ای برای متحد(ان)
۲۰۰	۴-۹) استفاده نیروی انسانی آموزش دیده، توانمند و بالنگیزه در انجام مأموریت‌ها
۲۰۰	۴-۱۰) اعمال مدیریت مؤثره کارآمد از سوی قدرت منطقه‌ای در راستای دستیابی به اهداف
۲۰۰	۴-۵) بررسی وضعیت جمهوری اسلامی از حیث تأثیرگذاری بر تحولات امنیتی-نظامی منطقه غرب آسیا
۲۰۱	۴-۵-۱) نهادهای مرتبط با امنیت نظامی جمهوری اسلامی از متحد(ان) به صورت کمی و کیفی
۲۰۲	۴-۵-۲) نهادهای مرتبط با حمایت اطلاعاتی جمهوری اسلامی از متحد(ان)
۲۰۳	۴-۵-۳) نهادهای مرتبط با آموزش همه جانبه متحد(ان) توسط جمهوری اسلامی
۲۰۳	۴-۵-۴) نهادهای مرتبط با حمایت مالی جمهوری اسلامی از متحد(ان)
۲۰۴	۴-۵-۵) نهادهای مرتبط با حمایت تبلیغاتی-رسانه‌ای جمهوری اسلامی از متحد(ان)
۲۰۵	۴-۵-۶) نهادهای مرتبط با حمایت دیپلماتیک جمهوری اسلامی از متحد(ان)
۲۰۶	۴-۵-۷) نهادهای مرتبط و تأثیرگذار بر نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی در میان متحد(ان)
۲۰۷	۴-۵-۸) نهادهای مرتبط با تبیین گفتمان جمهوری اسلامی در منطقه
۲۰۸	۴-۵-۹) نیروهای انسانی جمهوری اسلامی جهت اثرگذاری بر تحولات امنیتی-نظامی غرب آسیا از حیث وابستگی سازمانی
۲۰۹	۴-۵-۱۰) اعمال مدیریت یکپارچه و کارآمد در راستای دستیابی به اهداف منطقه‌ای جمهوری اسلامی
۲۰۹	۴-۶) بررسی مفهوم «منطقه»
۲۰۹	۴-۶-۱) مفهوم «منطقه»
۲۱۲	۴-۶-۲) منظور این پژوهش از منطقه غرب آسیا

فصل پنجم

محیط امنیتی جمهوری اسلامی

۲۱۵	۵-۱) چکیده
۲۱۵	۵-۲) مفهوم محیط امنیتی
۲۱۵	۵-۲-۱) محیط چیست؟

- ۲۱۸..... (۲-۲-۵) محیط امنیتی چیست؟
- ۲۱۸..... (۱-۲-۲-۵) کلیات
- ۲۱۸..... (۲-۲-۲-۵) محیط امنیتی جمهوری اسلامی
- ۲۱۹..... (۳-۵) نظریه نظام‌محور محیط امنیتی شینگ تانگ
- ۲۱۹..... (۱-۳-۵) کلیات
- ۲۲۰..... (۲-۳-۵) عوامل شکل دهنده محیط امنیتی
- ۲۲۰..... (۱-۲-۳-۵) موانع جغرافیایی
- ۲۲۰..... (۲-۲-۳-۵) تعامل دولت با دولت
- ۲۲۰..... (۱-۲-۲-۳-۵) توسعه داخلی: قدرت
- ۲۲۱..... (۱-۲-۳-۵) رفتار خارجی: خویش‌داری
- ۲۲۱..... (۳-۲-۳-۵) ساختار بین‌المللی (منطقه‌ای)
- ۲۲۳..... (۴-۲-۳-۵) فناوری نظامی
- ۲۲۴..... (۳-۳-۵) تعامل میان سراسر شکل دهنده محیط امنیتی
- ۲۲۴..... (۱-۳-۳-۵) موانع جغرافیایی امنیت قدرت
- ۲۲۴..... (۲-۳-۳-۵) موانع جغرافیایی و خویش‌داری
- ۲۲۴..... (۳-۳-۳-۵) موانع جغرافیایی و محدودیت ساختاری
- ۲۲۴..... (۴-۳-۳-۵) موانع جغرافیایی و فناوری نظامی
- ۲۲۵..... (۵-۳-۳-۵) انباشت قدرت و خویش‌داری
- ۲۲۵..... (۶-۳-۳-۵) انباشت قدرت و فناوری نظامی
- ۲۲۵..... (۷-۳-۳-۵) انباشت قدرت و محدودیت ساختاری
- ۲۲۵..... (۸-۳-۳-۵) خویش‌داری و محدودیت ساختاری
- ۲۲۵..... (۹-۳-۳-۵) خویش‌داری و فناوری نظامی
- ۲۲۵..... (۱۰-۳-۳-۵) محدودیت ساختاری و فناوری نظامی
- ۲۲۶..... (۴-۳-۵) جزئیات تعامل میان عوامل شکل دهنده محیط امنیتی
- ۲۲۶..... (۱-۴-۳-۵) فناوری نظامی و تعامل دولت با دولت
- ۲۲۸..... (۲-۴-۳-۵) ساختار بین‌المللی، جغرافیا و تعامل دولت با دولت
- ۲۲۹..... (۳-۴-۳-۵) جغرافیا، تعاملات دولت با دولت، ساختار و فناوری نظامی
- ۲۳۱..... (۴-۴-۳-۵) جمع‌بندی
- ۲۳۲..... (۵-۳-۵) آزمون نظریه نظام‌محور
- ۲۳۳..... (۱-۵-۳-۵) آزمون‌هایی با قطعیت مضاعف: محیط امنیتی یک نظام است
- ۲۳۴..... (۲-۵-۳-۵) پیامدهایی برای درک امنیت و تنظیم استراتژی
- ۲۳۶..... (۴-۵) بررسی محیط امنیتی جمهوری اسلامی براساس نظریه نظام‌محور تانگ
- ۲۳۶..... (۱-۴-۵) غیرقابل نفوذ بودن موانع جغرافیایی
- ۲۳۶..... (۲-۴-۵) قدرتمند بودن دولت

- ۳-۴-۵) رفتار توأم با خویشنداری ۲۳۸
- ۴-۴-۵) اعمال محدودیت‌های شدید توسط ساختار بین‌المللی ۲۴۰
- ۵-۴-۵) مسلط بودن دفاع ۲۴۰

فصل ششم

اهداف جمهوری اسلامی در غرب آسیا

- ۱-۶) چکیده ۲۴۵
- ۲-۶) اهداف جمهوری اسلامی در سطح منطقه غرب آسیا ۲۴۵
- ۳-۶) ارزیابی کنش‌های نیروی قدس در سوریه، عراق، لبنان و کل منطقه ۲۵۰
- ۱-۳-۶) سوریه ۲۵۰
- ۱-۳-۶) ۱-۱-۱) برش زمانی در اسفند ۲۰۱۶ با دسامبر ۲۰۱۱ ۲۵۰
- ۱-۳-۶) ۱-۱-۱-۱) محور اول: حفظ بقای سوریه به‌عنوان متحد «جمهوری اسلامی» در منطقه ۲۵۰
- ۲-۱-۳-۶) ۱-۱-۱-۲) محور دوم: ارتقای سطح ثبات امنیتی-نظامی در سوریه ۲۵۴
- ۳-۱-۳-۶) ۱-۱-۱-۳) محور سوم: خروج نیروهای فرامندگاری و در رأس آنان ایالات متحده از سوریه ۲۵۶
- ۴-۱-۳-۶) ۱-۱-۱-۴) محور چهارم: کم‌رنگ و خارج کردن گزینه «توسل به زور» در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای هم توسط قدرت‌های فرامندگاری و هم توسط قدرت‌های منطقه‌ای ۲۵۶
- ۲-۳-۶) ۱-۱-۲) عراق ۲۵۹
- ۱-۳-۶) ۱-۱-۲-۱) برش زمانی دسامبر ۲۰۱۶ با دسامبر ۲۰۰۳ ۲۵۹
- ۱-۳-۶) ۱-۱-۲-۲) محور اول: حفظ بقای عراق به‌عنوان متحد «جمهوری اسلامی» در منطقه ۲۵۹
- ۲-۱-۳-۶) ۱-۱-۲-۳) محور دوم: ارتقای سطح ثبات امنیتی-نظامی در عراق ۲۶۵
- ۳-۱-۳-۶) ۱-۱-۲-۴) محور سوم: خروج نیروهای فرامندگاری و در رأس آنان ایالات متحده از عراق ۲۶۷
- ۴-۱-۳-۶) ۱-۱-۲-۴) محور چهارم: کم‌رنگ و خارج نمودن گزینه «توسل به زور» در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای هم توسط قدرت‌های فرامندگاری و هم توسط قدرت‌های منطقه‌ای ۲۶۹
- ۳-۳-۶) ۱-۱-۳) لبنان ۲۷۲
- ۱-۳-۶) ۱-۱-۳-۱) برش زمانی دسامبر ۲۰۱۶ با دسامبر ۲۰۰۵ ۲۷۲
- ۱-۳-۶) ۱-۱-۳-۲) محور اول: حفظ بقای حزب‌الله لبنان به‌عنوان متحد «جمهوری اسلامی» در منطقه ۲۷۲
- ۲-۱-۳-۶) ۱-۱-۳-۳) محور دوم: ارتقای سطح ثبات امنیتی-نظامی در لبنان ۲۷۴
- ۳-۱-۳-۶) ۱-۱-۳-۴) محور سوم: خروج نیروهای فرامندگاری و در رأس آنان ایالات متحده از لبنان ۲۷۵
- ۴-۱-۳-۶) ۱-۱-۳-۴) محور چهارم: کم‌رنگ و خارج نمودن گزینه «توسل به زور» در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای هم توسط قدرت‌های فرامندگاری و هم توسط قدرت‌های منطقه‌ای ۲۷۶
- ۳-۳-۶) ۱-۱-۴) کل منطقه غرب آسیا ۲۷۸
- ۱-۳-۶) ۱-۱-۴-۱) برش زمانی دسامبر ۲۰۱۶ با دسامبر ۲۰۰۰ ۲۷۸
- ۱-۳-۶) ۱-۱-۴-۲) محور اول: حفظ بقای متحدان «جمهوری اسلامی» در منطقه غرب آسیا ۲۷۸

۲۷۸	۶-۳-۱-۲) محور دوم: ارتقای سطح ثبات امنیتی-نظامی در منطقه غرب آسیا
۲۸۱	۶-۳-۱-۳) محور سوم: خروج نیروهای فرامنطقه‌ای و در رأس آنان ایالات متحده از منطقه غرب آسیا
۲۸۲	۶-۳-۱-۴) محور چهارم: کم‌رنگ و خارج نمودن گزینه «توسل به زور» در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای هم‌توسط قدرت‌های فرامنطقه‌ای و هم توسط قدرت‌های منطقه‌ای
۲۹۳	منابع

پیش گفتار

در شرایطی که «داعش» پس از فتح موصل و تکریت و سایر محاصره آمرلی در ژوئن ۲۰۱۴ به اوج قدرت خود رسیده بود و سرمست از پیروزی‌های خود، در صدد بسط قلمرو خود از عراق به ایران بود و آن هنگام که در اواسط همان ماه، ۱۷۰۰ دانشجوی شیعه، یگان هوایی اسپایکر در تکریت توسط داعش سلاخی شدند و فیلم آن در فضای مجازی منتشر گردید و زمانی که «ابوبکر البغدادی» در خطبه‌های نماز جمعه ۴ جولای ۲۰۱۴ (۱۳ تیرماه ۱۳۹۳) در مسجد بزرگ «الدوله» موصل، خود را خلیفه المسلمین اعلام نمود و هنگامی که شهر سنجار در دوم و سوم آگوست (۱۱ و ۱۲ مرداد ۱۳۹۳) به تسلط داعش درآمد و هزاران مرد سنجاری کشته شده و ۵۰۰۰ نفر از جمله ۴۰۰۰ زن و کودک سنجاری توسط داعش به گروگان گرفته شدند (United States Department of State, 2014)، کمتر تحلیل‌گری پیش‌بینی می‌نمود که سلیمانیه و بغداد نیز طی روزهای آتی به‌دست عوامل این گروه فتح نگردد. لکن «جمهوری اسلامی» و بازوی منطقه‌ای آن «نیروی قدس» با یک اقدام ضربتی اجازه ندادند که خیابان‌های سلیمانیه و بغداد عرصه جولان «تویوتا»های مجهز به تیربار و دیگر زره‌پوش‌های داعش گردد.

«مسعود بارزانی»، رئیس وقت اقلیم خودمختار کردستان عراق، در مصاحبه با روزنامه «الحیات» چاپ لندن به موضوع کمک‌های ایران اشاره نمود و تأیید کرد که ایران اولین کشوری بود که در قالب دو هواپیما کمک‌های خود را به اربیل ارسال کرد. همچنین سردار حاجی‌زاده، فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اظهارات خود در برنامه «گفت‌وگوی ویژه خبری شبکه دو» که هیچ‌گاه تکذیب نیز نگردید، اعلام داشت: «سردار سلیمانی با ۷۰ نفر مانع اشغال کردستان عراق توسط داعش شد». بنابراین دخالت «نیروی قدس» از طریق اعزام نیروهای زبده و سازماندهی نیروهای مردمی عراق مانع از آن شد که داعش تصاویر سرهای ذبح‌شده مردم سلیمانیه و بغداد را در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک بگذارد. موضوعی که سیدعمر حکیم، رئیس مجلس اعلاي اسلامی عراق در مصاحبه با «بناء» بدان اشاره نمود. وی با تأکید بر کمک‌های ستاد شری تهران به بغداد برای حفظ امنیت و ثبات عراق اظهار داشت: «بی‌شک جمهوری اسلامی ایران اولین حامی ما در این شرایط سخت بود. فتوای مرجعیت و کمک جمهوری اسلامی به فرماندهی «قاسم سلیمانی» نقش پررنگی در بهبود اوضاع عراق داشته است. همگان می‌دانیم که اگر کمک‌های مشاوره‌ای ژنرال سلیمانی و هم‌کارانش نبود، عراق تا به این نقطه از مقاومت می‌رسید». (سایت انتخاب، ۱۳۹۴، ۲۷ مرداد) در مورد بغداد نیز «نیروی قدس» با طراحی یک طرح فوری و ترسیم یک کمربند امنیتی حول این شهر و اعزام نیروهای خود به منطقه از یک‌سو و سازماندهی نیروهای عراقی از دگرسو مانع از سقوط شهر «بغداد» گردید.

در شرایطی که ایالات متحده و کشورهای غربی با اتخاذ یک سیاست «کج‌دار و مریض»، مردم عراق را در حسرت اعزام نیرو و یا حتی اتخاذ یک اقدام مؤثر قرار داده بودند و در شرایطی که کشورهای «عرب» منطقه تنها به محکومیت صوری داعش بسند می‌بودند، این «جمهوری اسلامی» و سرداران پر آوازه آن به‌رهبری حاج «قاسم سلیمانی» بودند که بی‌منت و بی‌چشم‌داشت راه «عراق عرب» را در پیش گرفته و به دفاع از مردم عراق، مرجعیت و اماکن مقدسه شیعیان (که حکم ناموس شیعه را دارد) پرداختند. از این‌جا به بعد بود که نام ژنرال «قاسم سلیمانی» بیش از پیش در رسانه‌ها دیده می‌شد. نام «سلیمانی» و نیروهای ویژه وی برای مردم عراق تداعی‌گر «فرشته نجات» بود، لکن رسانه‌ها و هیأت‌های اندیشه‌ورز (اندیشکده‌های) غربی مرتب از این مطلب که جمهوری اسلامی در حال توسعه‌طلبی و بسط قدرت منطقه‌ای خود می‌باشد، دم می‌زدند و این سوالات مهم را بی‌پاسخ می‌گذاشتند که آیا ورود «نیروی قدس» به عرصه مقابله با داعش جز با درخواست مقامات رسمی دولت عراق صورت پذیرفته و در ثانی اگر نیت جمهوری اسلامی توسعه‌طلبی می‌باشد، پس چرا کشورهای

غربی با حمایت عملی و موثر از مردم عراق در مقابل حملات ددمنشانه داعش یا به تعبیر آنان «دولت اسلامی»، امکان دخالت «نیروی قدس» در عراق را از مقامات «جمهوری اسلامی» سلب ننمودند؟

البته نباید از نظر دور داشت که ورود «نیروی قدس» به تحولات کشور سوریه نیز به درخواست مقامات رسمی آن کشور انجام پذیرفت. در شرایطی که شهرهای سوریه یکی پس از دیگری به دست گروه‌های تروریستی نظیر داعش، جبهه‌النصره، ارتش آزاد سوریه، جیش‌الاسلام، جبهه اسلامی سوریه، الفاروق، عقاب‌های شام، گردان‌های احفاد الرسول، گردان‌های التوحید، گردان الفتح، جبهه الاصل و التنمیه، کمیته زره‌های انقلاب، گردان شهدای یرموک و ... فتح می‌گردید و مردم بی‌پناه به دست این گروه‌ها سلاخی یا آواره می‌شدند، بازهم این «جمهوری اسلامی» بود که سردار پرآوازه خود را برای سرزمین شام نمود تا هم از مردم بی‌پناه سوریه حمایت نماید، هم اجازه ندهد که به پای حرر بستان، متعرض ناموس آل ... (حرم عقيله بنی‌هاشم بی‌بی زینب کبری (س) و دیگر حرم‌های مطهر) گردند و هم از دولت قانونی بشار اسد حمایت نماید.

و این‌گونه بود که «نیروی قدس» به‌نماینده از سوی «جمهوری اسلامی» وارد یکی از پرچالش‌ترین مأموریت‌های خود در دو کشور سوریه و عراق یعنی مأموریت مقابله با تروریسم گردید. البته این بدان معنا نیست که این مأموریت با و این کشورها اولین تجلی و بروز و نمود «نیروی قدس» بودند. لازم به ذکر است که به‌دنبال تهاجم ایالات متحده به دو کشور همسایه ایران، یعنی افغانستان (در ۷ اکتبر ۲۰۰۱) و عراق (در ۲۰ مارس ۲۰۰۳)، مدیریت پرونده‌های این دو کشور بر طبق یک اجماع در سطح مسوولان نظام برعهده «نیروی قدس» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» قرار گرفت. اگرچه پیش از این هدایت پرونده‌های فلسطین با تدابیر «نیروی قدس» صورت می‌پذیرفت. همچنین به‌دنبال بروز تحولات اجتماعی و سیاسی در برخی از کشورهای خاورمیانه در سال ۲۰۱۱ مدیریت پرونده سوریه و در سالیان اخیر مدیریت پرونده یمن نیز به «نیروی قدس» سپرده شده است.

ماهیت و کارکردهای «نیروی قدس» یکی از سوالاتی است که بسیاری از محققان خارجی و حتی داخلی را دل‌مشغول خود نموده است. اگرچه برای اغلب محققان داخلی پرداختن به چنین موضوعاتی ساده و بدیهی است، لکن می‌تواند هاله‌های ابهام که به‌واسطه جنگ روانی غرب حول نیروی قدس را فراگرفته، بزدايد. البته نباید از نظر دور داشت که این مهم می‌باید با توجه به حفظ اسرار سازمانی و تاکتیک‌ها (راه‌کنش‌ها)ی این نیرو صورت پذیرد. می‌توان ماهیت نیروی قدس را تشریح نمود، بدون آن‌که شیوه‌های اقدام این نیرو را فاش ساخت.

پیش از ورود به نحوه سازمان‌دهی فصول لازم به ذکر می‌باشد که مفروضه اصلی این پژوهش آن است که «نیروی قدس» بازیگری دولتی بوده که به نمایندگی از سوی نظام «جمهوری اسلامی» (و به تعبیر روابط و حقوق بین‌المللی آن به نمایندگی از سوی دولت «جمهوری اسلامی») عمل می‌نماید. به عبارت دیگر «نیروی قدس» اصلی‌ترین بازوی «جمهوری اسلامی» جهت تأثیرگذاری بر تحولات امنیتی-نظامی منطقه غرب آسیا می‌باشد و با توجه به اعتماد کامل مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به این نیرو و فرمانده دلاور آن، امکان دسترسی به تمامی امکانات و ابزارهای قدرت در «جمهوری اسلامی» را دارا می‌باشد، لکن اگر روزی صلاح‌دید تمام معظم رهبری بر این قرار گیرد که وظایف «نیروی قدس» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» به بخش‌های دیگر، یا در درون سپاه و یا در بیرون از سپاه سپرده شود، «نیروی قدس» دیگر مسوولیت و نقشی در این عرصه نخواهد داشت. مصداق عبارت در مثل مناقشه نیست، تشیل این موضوع این خواهد بود که در یک خانواده بزرگ (در این‌جا جمهوری اسلامی) پدری (در این‌جا مقام معظم رهبری) دارای پسری است (در این‌جا نیروی قدس) که پدر اعتماد کاملی به این پسرند به خود دارای شایستگی‌های زیادی می‌باشد، دارد و وظایف خاصی را بر دوش این پسر قرار داده و علام نموده که این پسر در راستای انجام وظایف خود می‌تواند از تمامی امکانات خانواده به‌خوبی استفاده برد و چنان‌چه روزی پدر خانواده این وظایف را از دوش پسر بردارد و به پسر دیگر بسپارد آن پسر مسوولیت و نقشی نخواهد داشت. البته باید توجه نمود که منظور از دولت در عبارت «نیروی قدس بازیگری دولتی است»، دولت در معنای روابط بین‌المللی (و حقوق بین‌المللی) آن که شامل چهار رکن حکومت، حاکمیت، جمعیت و سرزمین است می‌باشد و تنها به دولت (یا قوه مجریه) جمهوری اسلامی که هر چهار سال و از طریق برگزاری انتخابات سراسری انتخاب می‌گردد، اشاره ندارد. بنابراین باید گفت که در این کتاب مراد از «دولت»، مجموعه نظام جمهوری اسلامی، و تمام ارکان آن از جمله دولت یا قوه مجریه می‌باشد.

با عنایت به مفروضه فوق، باور نگارندگان بر آن است که تبیین رفتار، کارکرد، مولفه‌های قدرت و دیگر مشخصه‌های «نیروی قدس» جز از رهگذر تبیین رفتار، کارکرد، مولفه‌های قدرت و دیگر مشخصه‌های «جمهوری اسلامی» میسر نخواهد بود. «نیروی قدس» یک تافته جدا بافته و یا موجودیتی جدا از «جمهوری اسلامی» نیست. اگرچه اصلی‌ترین بازوی برون‌مرزی «جمهوری اسلامی» می‌باشد، لکن اقدامات آن تنها با اراده «جمهوری اسلامی» انجام می‌پذیرد. بنابراین، در مواردی تبیین رفتار «جمهوری اسلامی» به‌عنوان یک کلیت و یک سیستم، به تبیین رفتار «نیروی قدس» به‌عنوان جزئی از آن کلیت یا سیستم خواهد انجامید. البته این بدان معنا

نیست که بخواهیم ماهیت پیچیده و چند بعدی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی «جمهوری اسلامی» را نادیده انگاریم.

در ساختار رسمی و غیررسمی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی نمی‌توان ردپایی از «نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» گرفت. اگرچه قانون اساسی هیچ‌گونه شأنتی از حیث تصمیم‌گیری در مباحث سیاست خارجی برای «نیروی قدس» قائل نشده، لکن در اصول متعددی بر حمایت از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه جهان (اصل ۱۵۴)، دفاع از حقوق همه مسلمانان جهان (اصل ۱۵۲)، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان، حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان (بند ۱۶ اصل ۳) تأکید نموده که محقق نمودن وظایفی از این دست می‌طلبد که یک نهاد در درون نظام جمهوری اسلامی عهده‌دار پیگیری و انجام این مهم باشد. اگرچه در زمان حیات مبارک حضرت امام (ره) و حسب تأکیدی که معظم‌له بر این سیاست برتری در جنگ تحمیلی و شعار «راه قدس از کربلا می‌گذرد» مبذول داشتند، امکان سپردن وظایفی از این دست به یک نهاد خاص میسر نگردید (علی‌رغم تشکیل واحد نهضت‌های آزادی‌بخش سپاه پاسداران و اعزام تعدادی از نیروهای تیپ (و بعدها لشکر) ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به سوریه و لبنان در ۲۱ خرداد ۶۱ به‌منظور کمک به مقاومت لبنان و مقابلۀ اسرائیل)، لکن مقام معظم رهبری به‌دنبال پایان جنگ، پیگیری و اجرای وظایف مقرر در اصول فوق‌الذکر قانون اساسی را بر عهده «نیروی قدس» نهادند. از این‌جا به بعد است که «نیروی قدس» عشر انکارناپذیر در بخش‌هایی از سیاست خارجی «جمهوری اسلامی» پیدا نمود و «نیروی قدس» از حیث تصمیم‌گیری و اجرای پرونده‌هایی که توسط مقام معظم رهبری به این نیرو سپرد می‌شد، عهده‌دار جایگاه ویژه‌ای گردیده و در یک کلام به اصلی‌ترین بازوی «جمهوری اسلامی» جهت تأثیرگذاری بر تحولات امنیتی-نظامی غرب آسیا مبدل شده است.

البته سپردن وظایفی حساس و دشواری که قانون اساسی در اصول ۱۵۲، ۱۵۴، بند ۱۶ اصل ۳ و دیگر اصول خود بر تحقق آن‌ها تأکید نموده به یک نیروی وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از درایت و تیزبینی مقام معظم رهبری حکایت دارد. ماهیت پیچیده و چندبعدی این وظایف (سیاسی، امنیتی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی) می‌طلبد که پیگیری و تحقق آن‌ها به یک نهاد صد در صد انقلابی سپرده شود. به‌عنوان مثال حمایتی که اصل ۱۵۴ قانون اساسی بر آن تأکید می‌ورزد، نمی‌تواند صرفاً سیاسی-دیپلماتیک باشد. دفاع از حقوق همه مسلمانان جهان که در اصل ۱۵۲ عنوان گردیده نیز صرفاً با ابزارهای سیاسی-دیپلماتیک محقق

نمی‌گردد. در اصل سوم قانون اساسی نیز دولت جمهوری اسلامی ایران موظف گردیده که برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور خاصی که تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان یکی از آنان می‌باشد (بند ۱۶) به‌کار گیرد. روشن است که همه امکانات تنها ناظر بر امکانات سیاسی-دیپلماتیک نیست. بدیهی است که پیگیری و تحقق وظایف مذکور از عهده و وسع هر نهاد دیگری در جمهوری اسلامی خارج بود. نکته دیگری که درایت و تیزبینی مقام معظم رهبری را می‌رساند قضایایی است که سال‌ها پس از تشکیل «نیروی قدس» و در دوران اصلاحات بر سر «جهاد سازندگی» رفت. در دوران اصلاحات و با استناد به اصل کوچک نمودن وزارت‌خانه‌ها، «جهاد سازندگی» به‌عنوان یک نهاد انقلابی در «وزارت کشاورزی» ادغام گردید و همگان مشاهده نمودند که دیگر از «جهاد» و خدمات سبانی که به مردم ارائه می‌داد، اثری نماند. چنان‌چه پیگیری و تحقق وظایف مصرح در اصول فقه‌الذکر قانون اساسی به یک نهاد وابسته به «قوه مجریه» سپرده می‌شد، انقلابیون پیشمار و تقدیر خسته‌ای که بعدها و در برخی از دولت‌ها مسنددار امور گردیدند، تحقق این وظایف را آن‌چنان در پیچ و خم‌های بروکراتیک درگیر می‌نمودند که «نه از تاک نشان می‌ماند و نه از تاک‌نشان!»! بنابراین می‌توان گفت که اولین و مهم‌ترین حامی نیروی قدس که تشکیل و استمرار حرکت این نیرو را به‌عنوان حمایت مستقیم ایشان بوده است، «مقام معظم رهبری» می‌باشد.

با عنایت به این توضیحات در فصل اول کتاب «جهاد نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در کانون توجه قرار می‌گیرد. در این فصل پس از ذکر دیدگاه منابع غربی درباره «نیروی قدس»، به جایگاه این نیرو در ساختار نظامی-امنیتی کشور پرداخته می‌شود. در این بخش، ضمن بررسی ادبیات مرتبط با مفهوم «رژیم»، این‌گونه عنوان می‌گردد که جمهوری اسلامی مبادرت به تشکیل یک «رژیم غیررسمی امنیت منطقه‌ای» می‌توان آنرا «رژیم غیررسمی امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی» نامید و از آن تحت عنوان «محور مقاومت» یاد می‌گردد، نموده است. اصطلاح «رژیم» ممکن است که گمراه‌کننده باشد و واژه‌ای منفی را بر ذهن متبادر سازد. اگرچه در رابطه با مفهوم «رژیم» به تفصیل در فصل اول کتاب بحث خواهد شد، لکن به‌طور اجمال باید گفت که در «رژیم غیررسمی امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی» اعضا نظیر اعضای هر رژیم دیگری (مانند رژیم حقوقی دریای خزر، رژیم امنیت دسته‌جمعی، رژیم کنترل تسلیحات، رژیم زیست‌محیطی، رژیم ارزی، رژیم اقیانوس‌ها و ...) پای‌بند به مجموعه‌ای از اصول، هنجارها، قواعد و رویه‌های تصمیم‌گیری صریح یا ضمنی می‌باشند. بنابراین این معنی از «رژیم» با معنایی از «رژیم» که در علوم سیاسی و غالباً جهت اشاره به

حکومت‌های استبدادی مورد استفاده قرار می‌گیرد تفاوت دارد. با عنایت به توضیحات ذکر شده، بررسی ابعاد مختلف مفهوم «رژیم» در این فصل اجتناب‌ناپذیر می‌گردد. در این راستا مفاهیم اصلی در مطالعه رژیم‌ها نظیر شکل‌گیری رژیم، قوت رژیم، اثربخشی رژیم، دامنه رژیم، استحکام (انعطاف‌پذیری) رژیم، شکل سازمانی، حالت تخصیصی، طبقه‌بندی رژیم‌ها، تغییر رژیم‌ها، نظریه ثبات هرمنوتیک، تفاوت یا تشابه نهاد، رژیم و سازمان مورد بررسی قرار گرفته و به سه مکتب فکری در مطالعه رژیم‌ها یعنی نظریه‌های مبتنی بر قدرت، نظریه‌های مبتنی بر منافع و نظریه‌های مبتنی بر شناخت پرداخته می‌شود و در ادامه ابعاد مختلف «رژیم ضمنی غیررسمی امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی» بررسی می‌گردد. علت اصلی شکل‌گیری «رژیم ضمنی غیررسمی امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی» از نیمه سال ۲۰۰۳ به بعد که از آن تحت عنوان «محور مقاومت» یاد می‌گردد، «معمای امنیتی» ناشی از حضور ایالات متحده در منطقه غرب آسیا در پنج قالب (۱) بستکام، (۲) ناوگان پنجم دریایی مستقر در بحرین، (۳) ناوهای هواپیمابر اعزامی به منطقه، (۴) پایگاه‌های نظامی ایالات متحده در کشورهای منطقه خلیج فارس و (۵) وجود دولت متحد ایالات متحده در منطقه یعنی «اسرائیل» به همراه حضور نظامی در دو کشور افغانستان (از اکتبر ۲۰۰۱ به بعد) و عراق (از مارس ۲۰۰۳ به بعد) می‌باشد و جمهوری اسلامی با هدف حل این معمای امنیتی مبادرت به تشکیل «رژیم ضمنی غیررسمی امنیت منطقه‌ای» تحت عنوان «محور مقاومت» و متشکل از بازیگران دولتی و غیردولتی جمهوری اسلامی ایران، جمهوری عربی سوریه، حزب الله لبنان، گروه‌های چندگانه مقاومت در عراق (الحشد الشعبی) و حتی دولت عراق، حوثی‌های یمن، جنبش بدر، جنبش جهاد اسلامی و حماس در فلسطین نموده است تا بتواند امنیت نسبی خود و هم‌جانبان را افزایش و در نتیجه بقای خود و دیگر اعضای رژیم در مقابل تهدید ایالات متحده و دیگر تهدیدها (۱) جمله تهدید اسرائیل و تهدید سلفی-تکفیری‌ها حفظ نماید.

در فصل دوم به ابعاد قدرت نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پرداخته می‌شود. همان‌گونه که پیشتر ذکر گردید نیروی قدس بازگیری دولتی می‌باشد که به نمایندگی از سوی «جمهوری اسلامی» عمل می‌نماید و با توجه به اعتماد کامل مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به این نیرو و فرمانده دلاور آن، امکان دسترسی به تمامی امکانات و ابزارهای قدرت در جمهوری اسلامی را دارا می‌باشد، لذا در این فصل لازم است تا ابعاد قدرت جمهوری اسلامی مورد واکاوی قرار گیرد. انجام این مهم جز از رهگذر ورود به مباحث نظری در باب قدرت میسر نخواهد شد. مفهوم قدرت آن‌گونه که «استیون لوکس» می‌گوید بحث برانگیز، دشوار و مجادله‌برانگیز است. نظریه‌های مختلف با رویکردهای هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه و

روش‌شناسانه مختلف، از اثبات‌گرایی تا پسامدرنیسم، هریک از نگاه خود به بررسی مفهوم «قدرت» پرداخته‌اند و تعریف مفهوم «قدرت» دغدغه بسیاری از اندیشمندان نظیر «مارکس»، «راسل»، «وبر»، «پارسونز»، «رانگ»، «نیوتن»، «گیدنز»، «هانا آرنت»، «پولانتزاس»، «رابرت دال»، «بکرک و بارتز»، «میشل فوکو» و ... بوده است. در این فصل، جهت شناخت مفهوم «قدرت» در رشته روابط بین‌الملل از مقاله مهم «مایکل بارت و ریموند دیووال» در مجله معتبر «سازمان‌های بین‌المللی» با عنوان «قدرت در سیاست بین‌الملل» استفاده می‌گردد که با تلفیق نظریه‌ها و دیدگاه‌های مختلف، چهار نوع قدرت «اجباری»، «نهادی»، «ساختاری» و «مولد» را استخراج نموده و از جامعیت کاملی برخوردار است. هم‌چنین وجه پنج‌گانه برای «قدرت» با عنوان «قدرت معنوی» تعریف می‌گردد که قابلیت انطباق بر هیچ‌یک از رویکردهای نظری در باب «قدرت» را ندارد. «قدرت معنوی» یک منبع بیرونی قدرت می‌باشد که بازیگران و کنش‌گران را تحت تأثیر قرار داده و آنان را در ایفای نقش مثبت در عرصه اجتماع (منطبق بر تعالیم دینی) یاری می‌رساند و مدعوه توانمندی‌های چنین کنشگرانی را افزایش می‌دهد و در ادامه به ارکان شش‌گانه این نوع قدرت یعنی «توکل، استقامت، اعتقاد به امدادهای غیبی الهی، شهادت‌طلبی، صبر و توسل به ائمه اطهار (ع)» پرداخته می‌شود. در خاتمه عنوان می‌گردد که جمهوری اسلامی دارای قدرتی پنج وجهی، (اجباری، نهادی، ساختاری، مولد و معنوی) است و با توجه به مفروضه اصلی این پژوهش که نیروی قدس به نمایندگی از طرف نظام جمهوری اسلامی (و به تعبیر روابط و حقوق بین‌المللی آن به نمایندگی از سوی دولت جمهوری اسلامی) عمل می‌نماید و امکان دسترسی به تمامی امکانات و ابزارهای قدرت در جمهوری اسلامی را دارا می‌باشد، بنابراین هر پنج بعد این قدرت را در اختیار دارد. البته باید این مهم را از نظر دور داشت که «نیروی قدس» پس از در اختیار گرفتن ابعاد پنج‌گانه قدرت جمهوری اسلامی، خود به یکی از مولفه‌های قدرت جمهوری اسلامی مبدل گردیده است.

در فصل سوم لازم است که رفتار «جمهوری اسلامی» در سطح منطقه را مورد واکاوی قرار داد. بدین منظور لازم است که رفتار «جمهوری اسلامی» را براساس یکی از نظریه‌های سیاست خارجی مورد واکاوی قرار داد تا درک اسلوب‌مند آن برای محققان میسر گردد. این مهم کمک می‌نماید تا نشان دهیم رفتار «جمهوری اسلامی» در سطح منطقه آن‌گونه که برخی از هیأت‌های اندیشه‌ورز (اندیشکده‌های) غربی می‌گویند در راستای افزایش قدرت نیست. جهت تحقق این مهم می‌توان از نظریه‌های مختلفی نظیر سازه‌انگاری، رئالیسم تدافعی، هژمون تعاونی و غیره استفاده نمود که در این کتاب از نظریه «هژمونی تعاونی» بهره گرفته می‌شود. این نظریه توسط «توماس پدرسن» و در مقاله «هژمونی تعاونی: قدرت، انگاره‌ها و نهادها در

هم‌گرایی منطقه‌ای» مطرح شده است. وی هژمونی تعاونی را یک «راهبرد کلان» می‌داند و معتقد است هژمونی تعاونی به‌طور معمول یا توسط «قدرت بزرگی که از نظر نظامی ضعیف است» و یا توسط «قدرت‌های بزرگ بسیار قوی با تمایلات جهانی که مایل به تحکیم قواعد خود هستند» دنبال می‌گردد. بنابراین جمهوری اسلامی که مصداق عبارت دوم خواهد بود، این راهبرد را دنبال می‌نماید. پس از ذکر اجزا و مولفه‌های این نظریه، انطباق یا عدم انطباق نظریه هژمونی تعاونی بر جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد و این‌گونه نتیجه‌گیری می‌شود که جمهوری اسلامی یک هژمون تعاونی یا به‌طور دقیق‌تر یک «هژمون تعاونی تدافعی» می‌باشد. مراد آن است نشان داده شود که اگرچه «جمهوری اسلامی» براساس اصول قانون اساسی و آرمان‌ها، انقلاب و آموزه‌های دینی، خود را مکلف به حمایت از مستضعفان سراسر جهان می‌داند و پیگیری این بهر را به «نیروی قدس» سپرده است، لکن رفتار «جمهوری اسلامی» مبتنی بر یک سری قواعد و اصول خاص می‌باشد. یکی از نظریه‌هایی که می‌تواند این رفتار را تبیین نموده و توضیح دهد، نظریه «هژمونی تعاونی» می‌باشد.

در فصل چهارم، پی‌ریزی نظری کتاب صورت می‌پذیرد. اگر در فصل اول به «رژیم غیررسمی امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی» پرداخته شد، با استفاده از مفهوم «رژیم»، ابعاد مختلف این «رژیم» معرفی گردید؛ اگر در فصل دوم پس از تبیین «اجباری، نهادی، ساختاری، مولد و معنوی» قدرت «جمهوری اسلامی» با استفاده از دیدگاه «مایکل بارنت و ریموند دیووال» استخراج گردید و اعلام گردید که «نیروی قدس» این نوع و به قدرت را در اختیار دارد؛ در این فصل با استفاده از مفهوم «قدرت منطقه‌ای» بر این نکته تاکید می‌گردد که «جمهوری اسلامی» به‌مثابه یک «قدرت منطقه‌ای» می‌باشد. از آن‌جا که هر «قدرت منطقه‌ای» دارای پارامترها و ویژگی‌های مختص به خود می‌باشد، بنابراین در این فصل به تبیین پارامترها و ویژگی‌ها پرداخته می‌شود. جهت انجام این کار لازم است که در ابتدا تمایزات و شباهت‌های بین مفاهیم «قدرت بزرگ»، «قدرت منطقه‌ای»، «قدرت متوسط سنتی»، «قدرت متوسط جدید» و «قدرت متوسط منطقه‌ای» بررسی گردد و در ادامه به سه تعریف مختلف از «قدرت منطقه‌ای» که توسط اندیشمندانی نظیر «فلمز و نولته»، «شرم» و «نولته» ارائه شده‌اند، پرداخته شود و در خاتمه این بخش، مشخصه‌های یک قدرت منطقه‌ای به‌نام «جمهوری اسلامی» در غرب آسیا (خاورمیانه) که می‌توان آن‌ها را به‌نوعی مخرج مشترک تعاریف «فلمز و نولته»، «شرم» و «نولته» دانست، ذکر می‌گردد که عبارت‌اند از:

۱. از لحاظ منطقه‌ای خود را متعلق به منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) بداند.